

رمان‌های قرن

از رابرت موزیل تا گوتتر گراس، پنج ستاره درخشان نثر آلمان

ترجمه‌ی محمدعلی مختاری اردکانی

اخیراً نشر برتلزمن (Bertelsmann) و خانه ادبیات مونیخ (Munich Literaturhaus) از سی‌وسه نویسنده و همان تعداد ناقد و آلمان‌شناس درخواست کرد که فهرستی از مهم‌ترین رمان‌های قرن بیستم به زبان آلمانی تهیه کنند؛ هر نفر می‌توانست سه عنوان ذکر کند. نتیجه بررسی شایان توجه است. روی هم رفته ۷۶ رمان فهرست شد، گرچه فقط ۲۷ عنوان بیش از یک امتیاز آوردند. در رأس فهرست رمان رابرت موزیل (Robert Musil) مرد بی‌چهره (The Man Without Qualities) قرار داشت (با ۲۵ امتیاز)، به دنبال آن رمان محاکمه‌ی (Trial) کافکا (با ۳۲ امتیاز) کوه جادو (The Magic Mountain) توماس مان با (۲۹ امتیاز)، الکساندر پلاتز برلین (Berlin Alexanderplatz) از آلفرد دوبلین (Alfred Döblin) (با ۱۸ امتیاز) و طبل حلبی گوتتر گراس (با ۱۱ امتیاز). بلا تردید فهرست تهیه شده قانع‌کننده است به خاطر این که عناوین عجیب و غریب مقام اول را اشغال نکرده‌اند. داوران، آثار واقعاً مهم را انتخاب کرده‌اند. و در برابر وسوسه انتخاب متفرقه‌های ادبی ایستاده‌اند. البته می‌شد تشکیک کرد که آیا قصر کافکا از محاکمه او برتر نیست (که هست) یا Buddenbrooks توماس مان از کوه جادوی او بالاتر نیست (که هست). البته به علت مقام خاص بلا منازع این دو نویسنده‌ی به خصوص و با توجه به انعکاس آن در این فهرست قرن. از آن لحاظ که همه رمان‌های آن‌ها را شامل می‌شود. چنین مجادله‌ای صرفاً کاری آکادمیک است.

داوران، بدون آن که قبلاً باهم تبادل نظر کرده باشند، همه بر انتظارات خود از ژانر رمان پای فشرده‌اند. موزیل، رمان‌نویس اتریشی که در سال ۱۹۴۲ در سن ۶۲ سالگی از دنیا رفت رمان خود را «سیروسلوک روحانی و سفر تحقیقاتی» همه‌ی عمر توصیف کرد. داوران خود را با این رمان درجه یک تطبیق داده‌اند. از خصایص پنج رمان انتخاب شده این است که آن‌ها به وضوح اهداف سیروسلوک شاعرانه خود را مشخص کرده‌اند. و از این سیروسلوک کامروا بازگشته‌اند. مثلاً مرد بی‌چهره سیروسلوک ماجراجویانه‌ایست در روح انسان مدرن و در عین حال الگوی دقیق جامعه اروپایی اندکی قبل و در طول جنگ جهانی اول در شهر وین محاکمه‌ی کافکا که اولین بار در سال ۱۹۲۵ چاپ شد یکی از دقیق‌ترین چهره‌های آن نوع انسانی است که قرن بیستم بعداً میلیون‌ها پدید آورد. یعنی قربانی بی‌گناه. کوه جادو که توماس مان از سال ۱۹۱۳ تا سال ۱۹۲۴ روی آن کار کرد، آشوب بیماری تا مرگ را عالی به تصویر می‌کشد. چون رقص دایره‌وار اداره حیات و

تمنای مرگ. الکساندر پلاتز دوبلین که محصول نبوغ آمیز و منحصر به فرد سال ۱۹۲۹ است ترجمان ضربانگ مادر شهرها به هیأت دیو قربانی طلب می‌باشد. و از آن جا قانونی که در آن مادر - شهر حاکم است جان می‌گیرد. «ملعون است کسی که بر انسان تکیه کند» و بالاخره طبل حلبی، رمان اول گوتتر گراس که در سال ۱۹۵۹ نشر یافت به خاطر قهرمان بی‌همتایش، کودک. فیلسوف و اسکار متز ارث (Oskar Matzerath) کوتوله شاهکار قصه‌گویی می‌باشد.

طرفه این که دو تا از این رمان‌های برنده، کلاً یا جزاً در زمان حیات نویسنده چاپ نشده‌اند و هرگز به اتمام نرسیده‌اند. خرده‌کاری و ناتمامی نماد قرن بیستم است و ستایش ترس‌آلود و حیرت‌زده ادبیات از قرن‌ی انسجام گریخته. این که چهارتا از این پنج رمان متعلق به اوایل قرن است از نقص ادبی ادبیات معاصر حکایت می‌کند. شاید، به فاصله زمانی بیش‌تری از آثار اخیر کسانی نظیر توماس بنهارد (Thomas Bernhard)، پیت هادکه (Peter Hadke)، مارتین واسلر (Martin Wasler) یا رابرت مناس (Robert Menasse) نیاز داریم تا بهتر بتوانیم جایگاه آن‌ها را مشخص کنیم. این که فقط دو رمان متعلق به زنان. مالینای (Malina) اینگ بورگ باخمن (Ingeborg Bachmann) و هفتمین صلیب (The Seventh Cross) آناسگرز (Anna Seghers) بیش از یک امتیاز آوردند، شاید از نظر ادبی همان قدر منصفانه باشد که موقتی و زودگذر. شاید قرن بیست‌ویکم متعلق به نویسندگان زن باشد. رمان‌های آلمانی بزرگ این قرن همچنین درخور آنند که جهانی شوند. موزیل کافکا، توماس مان، دوبلین و گراس، پنج ستاره درخشان نثر آلمان جز لاینفک فرهنگ جهانی زمان ما شده‌اند.